

# جرم سیاسی

سه‌شنبه ۱۰ اردیبهشت از کنار دکه روزنامه فروشی می‌گذشتم که چشمم به تیتراصلی روزنامه «اعتماد» شماره ۱۶۶۳ خورد که نوشته شده بود: «جرم سیاسی پذیرفته شد» که در سرزمین و کشور ما بعد از انقلاب مشروطیت مورد توجه فرهیخته‌گان و روشن‌فکران مردمی که تفکرات اجتماعی و سیاسی داشتند و فعالیت در امور سیاسی را از حقوق طبیعی بشر می‌پنداشتند قرار گرفت.

استبداد حاکم در جهت مهار جامعه هیچ وقت علاقه‌ای به فتح باب در این مسأله را نداد و با انقلاب ضد استبدادی و دموکراتیک مردم ایران که حاکمیت جمهوری اسلامی مستقر شد نیز تلاش خردمندان و انقلابیون به منظور جلوگیری از سوء استفاده فرصت طلبان، تلاش زیادی برای تعریض از جرم سیاسی را وجه همت خود قرار دادند به خصوص در مجلس ششم برخی از نماینده‌گان مجلس در انجام آن سعی وافر نمودند. اما فشار جبهه مخالف آن تلاش را بی‌ثمر گذاشت. پس از گذشت چند سال این تیتراصلی بارقه‌ی امیدی در دلم تاباند و با توجه به قبول پرونده‌های زیادی از متهمین سیاسی که قربانی عدم شفافیت در تشخیص جرم سیاسی شدند و مفاد اصل ۱۶۸ قانون اساسی که تاکنون از جمله تعریف جرم سیاسی متأسفانه با گذشت حدود ۳۰ سال از انقلاب به اجرا در نیامده با امیدی فراوان بی‌درنگ محل دنجی را در اولین کوچه پیدا کردم و چند بار آن را با دقت خواندم و در هر بار خواندن به این نتیجه رسیدم که ضمن این که طرح این مسأله امید بخش است اما این لایحه به جهت ابهامات زیاد، راهی در جهت رفع بن بست نگشوده که هیچ بل‌که، به ابهامات قانونی افزوده است. اینک تحلیل مفاد پنج‌گانه لایحه:

در سرفصل اعلام پنج جزء لایحه از ماده ۴ لایحه ذکر شده است که: «هر یک از اعمال زیر چنان چه با قصد مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد و متضمن خشونت نباشد جرم سیاسی محسوب و مرتکب به حبس از شش ماه تا دو سال یا اجبار به اقامت در محل معین یا منع از اقامت در محل معینی از دو تا سه سال و محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت پنج سال محکوم خواهد شد:

- ۱- فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام
  - ۲- برگزاری اجتماعات یا راه‌پیمایی‌های غیرقانونی ۳- نشر اکاذیب یا تشویش اذهان عمومی از طریق سخنرانی در مجامع عمومی، انتشار در رسانه‌ها، توزیع اوراق چاپی یا حامل‌های داده (دیتا) و امثال آن
  - ۴- تشکیل یا اداره جمعیت غیرقانونی یا هم‌کاری موثر در آن‌ها
  - ۵- تلاش برای ایجاد یا تشدید اختلاف بین مردم در زمینه‌های دینی، مذهبی، فرهنگی و نژادی.
- تبصره یک: چنان چه جرم سیاسی هم‌راه با یکی از جرایم دیگر ارتکاب یابد، مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

تبصره دو: صرف انتقاد از نظام سیاسی یا اصول قانون اساسی یا اعتراض به عملکرد مسؤولان کشور یا دست‌گاه اجرایی یا بیان عقیده در ارتباط با امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظایر آن جرم محسوب نمی‌شود.

قبل از ورود در نحوه‌ی تنظیم لایحه و مراتبی که در ۵ بند لایحه از ماده ۴ و دو تبصره آن آمده است، لازم است این موضوع را مطرح نمایم که در قسمت اصل ۱۶۸ قانون اساسی آمده که «... و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند» که بر طبق ۲ اصل ۱۵۷، شورای عالی قضایی بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی تکلیف دارد که جرم سیاسی را تعریف کند. لغت «تعریف» معنای مشخصی را دارا می‌باشد که وصف شفاف‌سازی با تعیین محدودیت مفهوم با ضوابط منطق اجتماعی روز و مدلل و در نظر گرفتن جامعیت و مانعیت را ایفاد می‌نماید. در لایحه تنظیمی به جای تعریف جرم سیاسی، بدون ذکر مصادیق مفهوم آن، به تعیین مجازات‌ها پرداخته که در قانون مجازات اسلامی از ماده ۴۹۸ به بعد ذکر شده بود منتهی با عنوان و بهانه تنظیم لایحه جرم سیاسی، مجازات‌ها تغییر و تشدید شده است یا به زبان روشن‌تر،

# ومصادیق آن

در ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی در مخالفت با نظام جمهوری اسلامی، مجازات سه ماه تا یک سال منظور گردیده در حالی که در ابتدای ماده ۴ لایحه، مجازات ۶ ماه تا دو سال تعیین گردیده است و جالب این است لایحه نویسان در ابتدا ماده ۴ لایحه مخالفت با نظام را جرم دانسته‌اند. اما در تبصره ۲ ذیل ماده ۴، اشعار داشته‌اند که (صرف انتقاد از نظام سیاسی یا اصول قانون اساسی... جرم محسوب نمی‌شود) پرسش این است که آیا جمهوری اسلامی نظام سیاسی است یا خیر؟ در جامعه شناسی سیاسی، تشکیل هر نظام حکومتی، نظام سیاسی تلقی می‌شود و خارج از تعریف و مفهوم نظام سیاسی نمی‌گنجد که این دو بیان که در ابتدای ماده ۴ قید گردیده با مفاد تبصره ۲ تضاد بین و آشکار دارد که چنین اختلاط مبحث نشان‌گر عدم دقت تنظیم‌کنندگان لایحه می‌باشد که به نظر می‌رسد در جهت اجرای دستور ریاست محترم قوه قضایه در مقام رفع تکلیف برآمده باشند!؟ و گر نه این موضوع بدیهی را هر دانشجوی حقوق هم متوجه خواهد شد. مقوله دیگری که در این لایحه قابل توجه می‌باشد تبصره ۱ ذیل ماده ۴ لایحه است که آمده: «تبصره یک:

چنان چه جرم سیاسی با یکی از جرایم دیگر ارتکاب یابد، مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد» با توجه به این که در محکومیت‌های مربوط به جرایم سیاسی، موضوعاتی چون تعدد و تکرار جرم مصداق نمی‌یابد و جزو سوء سابقه نیز محسوب نخواهد شد و تداخل دو نوع از جرایم که جرم ارتكابی دوم از جرایم عادی باشد موجبات سوء استفاده از طرف مقامات اجرایی را فراهم می‌سازد که به ضرر متهمین سیاسی تمام خواهد شد. به فرض، محکومیت جرم سیاسی ۲ سال باشد و جرم عادی مجازاتی با جزای نقدی؛ با توجه به مفاد تبصره یک ذکر شده، محکومیت ۲ سال جزو سابقه فرد محسوب که با وصف جرایم سیاسی در تضاد قرار می‌گیرد که تنظیم چنین لایحه‌ای، مشخص می‌کند که عوامل تهیه‌کننده لایحه از دقت حقوقی برخوردار نبوده‌اند!

اما در مورد ۵ بند از لایحه، صرف نظر از موارد یاد شده بالا، اصول قانون‌گذاری درست و منطقی رعایت نشده است زیرا: الف: تنظیم‌کنندگان لایحه توجهی به اصول قانون اساسی و ماده واحده قانون حقوق شهروندی که در ۸۳/۲/۱۶ به تصویب شورای نگهبان پس از تصویب در مجلس رسیده و از ۸۳/۳/۱۷ به اجرا درآمده و اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران در ۴۷/۱/۱۵ آن را امضاء و در اردیبهشت سال ۱۳۵۴ از تصویب مجلس گذشته است و این که ایران عضوی از اعضای سازمان ملل متحد است و تکلیف به رعایت آن‌ها را دارد نداشته‌اند و مطالبی مبهم و سردرگم به عنوان لایحه تنظیم نموده‌اند که تعریف جامع و مانعی از جرم سیاسی و مصادیق آن با توجه به منابع قانونی و موازین حقوق بین‌المللی به دست نداده‌اند.

نیز لازم می‌دانم این مطلب را بیان کنم که در قوانین جزایی تمامی کشورهای جهان من جمله در کشور ما، تفسیر در قانون جزا، مضیق است و محدود به موارد مصرحه در مواد قانونی است در حالی که اکثر قضات، این مورد و مورد اصل برائت را کم‌تر رعایت می‌کنند و به تفسیر موسع دست می‌زنند که دلایل آن علاوه بر سیستم ناصحیح و غیرشفاف قانون‌گذاری، گاهی با برخوردهای غیراصولی و عدم رعایت بی‌نظری و استقلال قضایی، آرای صادر کرده‌اند که زندگی افرادی مظلوم بر باد رفته است.

در پایان یادآور می‌شوم که موارد مندرجه در ۵ بند لایحه مبهم و غیرشفاف است و دست‌گاه فضایی را نباید عامل اعمال فشارهای سیاسی و غیره نمود و این دست‌گاه باید تلاش کند اعتبار از دست داده در جامعه را با تعیین قضات آگاه و مسلط به امور حقوقی و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و اوضاع اقتصادی و اجتماعی و نیز قضاوت بی‌نظرانه و غیرجناحی و مستقل با پشتوانه شغلی و مادی بازگرداند. به امید آن روز که شاید

به تحقیق به پیوندد ■